

## گفتگو با یک زوج هنر نمایش

پرستو گلستانی - بهروز بقایی



در حال حاضر هم در سریال تلویزیونی وکلای جوان به کارگردانی بهرام کاظمی به عنوان هنرپیشه مهمان بازی دارم. و فیلم سینمایی و سریال هفت سنگ به کارگردانی نواب صفوی و فیلم سینمایی تا ظهر فردا به کارگردانی محمدحسین لطیفی را پیش رو دارم.

البته باید عرض کنم که برای اولین توسط خانم مرضیه برومند برای بازی در سریال عقیب معرفی شدم و اولین تجربه‌ام از آنجا شروع شد.

□ - فکر می‌کنید بازیگر باید دارای چه خصوصاتی باشد؟

■ - استعداد ذاتی، فکر روح هنری داشتن و بعد از آموزش‌های آکادمیک وارد کار شدن، اما متأسفانه در جامعه ما این طور نیست به هر جهت شرایط فعلی سینما نگاهی به این سو ندارد و فروش گیشه، جذب تماشاگر عادی و سیاست‌های حاکم بر سینما قوی‌تر از مسائل ذکر شده است.

□ - تاکی با این شرایط موجود مواجه هستیم؟

■ - نمی‌دانم بستگی به دیدگاه مردم دارد آیا مردم سینما را به صورت سرگرمی می‌خواهند یا در کنار آن به مسائل فرهنگی آن هم نگاه و دقتی می‌کنند.

□ - به نظر شما فیلم خوب چه نوع فیلمی است؟

■ - فیلمی که بتواند با مردم ارتباط برقرار کند، حال مردم دسته بندی می‌شوند یکسری از مردم قشر عادی و یکسری به عنوان حرفه‌ای و دست اندرکار این حرفه. دست اندرکاران، فیلم را از دید خاصی نگاه می‌کنند که با مردم عادی دیدگاهشان متفاوت است، این آدم‌ها به تکنیک نگاه می‌کنند. فیلمبرداری، بازیگری و ... به مانند معلم که دیدگاه خاصی به مسئله خودش دارد و با دیدگاه عوام فرق می‌کند به هر جهت به نظر من فیلم خوب فیلمی است که برای کل اجتماعی و تمام اقشار مقبول و جذاب باشد.

□ - پس به نظر شما اگر گیشه، فروش خوبی داشته باشد مردم آن فیلم را می‌پذیرند و نشانه این است

- لطفاً ضمن معرفی خودتان از سابقه هنریتان بفرمائید.

■ - پرستو گلستانی هشتم متولد ۱۳۴۹ - دوره بازیگری ۲/۵ ساله مدرسه هنر و ادبیات زا در سال ۱۳۶۵ گذراندم و سال ۱۳۷۱ وارد دانشگاه آزاد هنر شدم و سال چهارم هشتم.

تئاترهایی که در آن‌ها بازی داشته‌ام. بچه‌های محل ۱۳۶۵. مهمان‌های ناخوانده ۱۳۶۶ همانطور که بوده‌ایم ۱۳۶۸. بلبل سرگشته ۱۳۶۹. شاپرک خانم. جنایت و مکافات، پرستویی که پرواز نمی‌دانست، در سال‌های ۷۰ - ۷۱ و ۷۳ نیمه کاره رها شدند.

کارهای صحنه‌ای داشجویی: (صبح طلوع می‌کند، دستیار کارگردان) - (چهار صندوق، مشاور کارگردان) - (ساکن مثل زندگی، نویسنده و کارگردان)

فیلم‌های سینمایی: همچون ۱۳۶۹، نار ۱۳۷۰، قافله ۱۳۷۱، رابطه پنهانی ۱۳۷۱، دسر ۱۳۷۲، در جستجوی قطعه گمشده ۱۳۷۳

سریال‌های تلویزیونی: عقیب ۱۳۶۷، درخت دوستی ۱۳۶۷، عطر گل یاس ۱۳۶۹، پدر سالار ۷۳ - ۷۲، بهاران در بهار ۱۳۷۳، همراهِ ۱۳۷۴، تئاتر تلویزیونی دشمن مردم ۱۳۷۴.



که فیلم، فیلم خوبی است؟

■ - نه دلیل خوب بودن آن نیست، آدمی نمی‌تواند سطح فکر و تفکر اجتماع را به کلی تغییر بدهد خیلی از این موفقیت‌ها ممکن است بازتاب این تفکر باشد، تفکری که در واقع پرورش نیافته است و در حد یک کلیشه و چهار چوب باقی مانده

□ - پس نباید فیلم‌های بسازیم؟

■ - من هیچ وقت در شرایط فعلی سینما تهیه کننده نشده‌ام و روحیه لازم تهیه‌کنندگی را تاکنون نداشته‌ام ولی اگر داشتم حتماً در شرایط فعلی اجتماع فیلم‌های گیشه‌ای می‌ساختم.

□ - آیا امکان تغییر دادن پیش کلی مردم نسبت به سینما یا بطور کلی نسبت به هنر را داریم؟

■ - قصد من اصلاً توهین به قشر مردم عادی نیست و یا توهین به هر چیز دیگر ولی باید به نظر من شرایط را عوض کرد و تغییر داد

□ - با موفقیت‌های اخیر سینمای ایران در جشنواره‌های معتبر دنیا، آینده سینمای کشورمان را چگونه می‌بینید؟

■ - بعد از انقلاب اسلامی سینما دچار تحولاتی شده، هیچ شکلی نیست و این که استعداد‌های جوان و پنهان مطرح شده‌اند باز هم هیچ شکلی نیست ولی فکر می‌کنم نمی‌توانیم بطور کلی در مورد آینده قضاوت کنیم حتی در مورد اینکه فردا زنده خواهیم ماند یا نه.

□ - هنرپیشه زن در سینمای فعلی ایران چه جایگاهی دارد؟

■ - نقش زن در سینمای ایران دو دسته می‌شود یا زن‌ها واقماً از عناصر مهم فیلمنامه و ساخت آن می‌باشند و نقش کلیدی و تعیین کننده دارند یا اصلاً خدا بیمارزده‌شان

□ لطفاً خودتان را معرفی فرمایند؟

■ بهروز بقایی متولد ۱۳۲۲ هشم بازیگر و مدرس تئاتر

□ چرا حضورتان در صحنه‌های نمایش کم است و بیشتر در نمایش‌های تلویزیونی حضور می‌یابید و چه تفاوتی ما بین این دو دارید؟

■ - نمایش صحنه‌ای ویژگی‌های اجرایی خودش را دارد و در ارتباط با مردم کاربرد خاص خودش را و تئاترهایی که خوب نوشته شده باشند و خوب کار شده باشند معمولاً وسیله ارتباط مؤثرتری با مردم هستند اما از آنجا که دیدن تئاتر برای اکثریت مردم ممکن نیست بدلیل هزینه‌ها، عدم ارتباط و عدم وجود پیشینه فرهنگی، پس باید تئاترها را از طریق یک رسانه عمومی‌تر با کار برد گسترده‌تر به مردم نشان داد گرچه در تئاتر تلویزیونی کلید اساسی ارتباط یعنی رودررویی نفس به نفس تماشاگر و بازیگر کم می‌شود ولی آنچه که از آن می‌ماند ارزش این ارتباط را دارد.

□ - سوال اینجاست که چرا با وجود شرایط رو دررویی و نفس به نفس تماشاگر و بازیگر این کار را در خود صحنه انجام نمی‌دهید؟

■ - صحنه تئاتر این روزها با گرفتاری‌های فراوان دست و پنجه نرم می‌کند از جمله نبود کمک‌های فرهنگی و ارشادی و نیز مهتر نبود امکانات مالی مناسب برای این کار، حال نمی‌دانم چه اتفاقی دارد داخل مرکز هنرهای نمایشی می‌افتد که صحنه‌ها خالی از کارهای خوب و موفقند حال آنکه تا سه چهار سال پیش، ما اجراهایی را در تئاترهای شهر به صحنه دیدیم که گاه تا سه ماه اجرا تمدید می‌شد و از تعداد تماشاگران تئاتر کم نمی‌شد.

□ - چاره‌ای یا راه حلی برای این صحنه هنر پایه‌ای که تئاتر باشد در نظر دارید؟

■ - باید طرحی نو در انداخت، پیدا کردن این چاره کار من نیست کار من کمک کردن به چاره‌هاست ولی آنچه مسلم است تقویت مالی و فکری و حمایت دولتی از این هنر و هنرمندان دست‌اندرکار آن است. شاید من به درستی متوجه محتویات چمدان نشدم اما ما چرا نباید از کسانی که تجربه فراوان در کارگردانی، هدایت بازیگر، اجرا و... دارند استفاده کنیم؟ چرا نباید از چند نفر - انگشت شمار - کننده این کار بهره ببریم برای برنامه



ریزی، مکانهای نمایش محدود و اندکمان، و چرا تنها در جشنواره‌هاست که سر و کله تئاتری‌ها (با آن انگشت شماران اشتباه نشود) پیدا می‌شود آیا ماههای دیگر سال ماه خدا نیستند؟ چرا نباید هنرمندان تئاتری بی‌دغدغه‌ن‌ان به کار بپردازند و خیلی چراهای دیگر، نمونه روشن آن چاپ شدن مجله شما با بدک کشیدن عنوان سینماست چرا نباید اینقدر خیر تئاتری داشته باشیم؟ و چرا نباید آن قدر سخن درباره تئاتر داشته باشیم و چرا نباید با پدیده‌های جهانی تئاتر آشنا باشیم.

□ - آیا فکر می‌کنید مشکل تئاتر فقط به مرکز هنرهای نمایشی برمی‌گردد؟

■ - بله، چون این مرکز بعد از جناب وزیر مسئول برنامه‌ریزی برای تئاتر کشور است و نیز مسئول تأمین برنامه و بودجه و میزبانی است و درصددی از آن هم برمی‌گردد به عادات فرهنگی جامعه که باز هم مسئول تغییر آن مرکز هنرهای نمایشی است.

□ - اگر از شما سوال بکنند که کارگردانی نمایشی را به دست بگیرید چه متنی را انتخاب می‌کنید؟

■ - احتمالاً ترجیح می‌دهم آرمان امید نمایشنامه دیگری از شاهنامه فردوسی در آینده برایم بنویسد یا نمایشنامه‌ای را که در مورد سیدجمال‌الدین اسدآبادی دارد با نام تذکره کنستانتینوپل

□ - از بحث تئاتر خارج می‌شویم که تمام نشدنی است. موفقیت سینمای ایران را چه طور می‌بینید؟

■ - بسیار سخت است که آدمی در موقعیت من بتواند به راحتی با یکی دو جمله سر و ته آینده سینمای ایران را هم بیاورد اما فکر می‌کنم بتوان در هر حال با برنامه ریزی درست و دید بازتر و هدفمندی یک ارتباط بی غل و غش، با مخاطب برسیم و این ممکن نیست مگر آنکه بتوانیم بیشتر از دو قدم جلوی بینمان را بینیم و در ارتباط با مخاطب به سلامت فرهنگی او فکر کنیم و نیز البته کمکهای دولتی

□ - منظورتان از کمکهای دولتی حذف سوبسید است؟

■ - دقیقاً و بسیار سوبسیدهای فکری و فرهنگی دیگر

□ - روند اخیر سینما فیلم که بعد از هر فیلم سینمایی، سریال آن پشت سرش ساخته می‌شود آیا کمکی به اعتلای فرهنگی‌مان می‌کند؟

■ - این پدیده‌ای است که باید در عمل تجربه‌اش کرد. بگذاریم سینما فیلم فیلم‌هایش را به اجرا درآورد و سریال‌هایش از تلویزیون پخش شود آنگاه نتیجه را خواهیم دید.

آبتین آذین